

بحث در ماده ۱ قانون ازدواج

ماده ۱ قانون ازدواج اصلاحی

مصوب اردی بهشت ۱۳۱۶

در نقاطی که وزارت عدلیه اعلام و معین می نماید -
هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتر بکه مطابق
نظامنامه های وزارت عدلیه تنظیم میشود واقع و ثبت برسد در
نقاط مزبور هر مرد بکه در غیر از دفتر رسمی ازدواج و طلاق
مبادرت با ازدواج و طلاق نماید بیک تا شش ماه حبس تادیبی
محکوم میشود - و همین مجازات در باره عاقدی مقرر است
که در این نقاط بدون داشتن دفاتر رسمی با اجرای سیغه ازدواج
باطلاق یا رجوع مبادرت نماید .

ماده ۱ قانون ازدواج مصوب آذر ۱۳۱۷

جمله زیر بماده اول قانون ازدواج اصلاح شده بموجب
قانون اردی بهشت ۱۳۱۶ اضافه میشود در تقاطیکه آگهی
فوق ل ذکر داده شده است شوهر مکلف است در صورتیکه
در غیر دفتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت با ازدواج
و طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع
عقد ازدواج یا طلاق یا رجوع بیک از دفاتر رسمی ازدواج
و طلاق رجوع کرده قبلاً مزاجت یا طلاقنامه یا رجوع
را ثبت برساند - و الا بیک ماه تا شش ماه حبس محکوم
خواهد شد .

مطابق ماده مزبور اضافه شده بران

شوهر موظف است در تقاطیکه دفاتر ازدواج و طلاق
تشکیل شده و آگهی بعمل آمده هر ازدواج و طلاق و رجوع
را در دفتر نامبرده واقع و ثبت برساند و در حوزة هائیکه
دفتر رسمی تشکیل نشده و آگهی نگردیده پس از وقوع تا
بیست روز در یکی از دفاتر رسمی ثبت نماید. بنابراین در حالت
اول عملی را طبق ماده مزبور میتوان بزه دانست و شوهر را

تعقیب نمود که شرایط زیر موجود باشد:

۱- تشکیل دفتر ازدواج و طلاق و انجام آگهی مندرجه
در ماده مزبور در حوزة وقوع عقد.

۲- عدم وقوع و ثبت ازدواج در دفاتر رسمی .

و در حالت دوم برای اینکه شوهر قابل تعقیب باشد شرایط
زیر لازم است:

۱- دفاتر رسمی ازدواج و طلاق در همان حوزة تشکیل
نشده و یا آگهی بعمل نیامده باشد .

۲- پس از وقوع ازدواج و طلاق در مدت ۲۰ روز
شوهر تکلیف قانونی خود را انجام ندهد

پس در حالت اول بمجرد وقوع عقد ازدواج و طلاق
در خارج از دفتر رسمی مرد بزهکار میباشد گرچه پس از
وقوع ثبت برساند - در حالت دوم [چهل بیست روز منوط
بنمودن دفتر رسمی در آن محل بوده و یا فرض وجود نباید
در آن حوزة اعلام شده باشد و واضح است که در وضعیت
اول برای اینکه عاقد هم قابل تعقیب باشد وجود دو شرط
مذکور در انحال ضروری است و در وضعیت ثانی که دفتر
رسمی تشکیل نشده و یا آگهی بعمل نیامده عاقد قابل تعقیب
نمیباشد .

از کلمات ازدواج طلاق مرد و عاقد مندرجه در

ماده مزبور چه مستفاد میشود؟

کلمه ازدواج

از کلمه ازدواج اولاً منظور ازدواجی است که طبق
قانون مدنی صحیحاً واقع شده و ثانیاً بانواع ازدواج اعم
از دائم یا موقت تعلق میگیرد و در این قسمت باید توجه
داشت که بدر نحو ممکن است ازدواج مطابق قانون واقع
نشده باشد :

۱- عدم تطبیق با قانون بعدی است که موجب طلاق

در قسمت دوم میگوئیم ثبت ازدواج و طلاق ضروری است زیرا عدم تجویز علاوه از اینکه موجب آن میشود که حفظ حقوق نسوان ایرانی در مقابل شوهر خارجی نگردد در صورتیکه این قسمت مورد نظر مقررین در وضع ماده یک ازدواج بوده مضافاً قبول این نظریه بخلاف مصلحت و نظم عمومی است و مفهوم مخالف ماده ۹۷۰ قانون مدنی و مستفاد از کلیات و موارد دیگر که در این حالت وقوع ازدواج را موکول بانجام تشریفات خاصه قرارداد این نظریه و لزوم ثبت را نایب میدارد.

در قسمت سوم که طرفین عقد ازدواج خارجی هستند ممکن است چنین استدلال نمود که چون ماده ۱ قانون ازدواج بطور اطلاق وضع گردیده ناظر بسکنه ایران اعم از تبعه ایرانی یا خارجه بوده و از نظر حفظ نظم عمومی و اینکه استاد ارحیت طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشد و در این مورد قانون ایران وقوع و تنظیم نکاح یا طلاق نامه را در دفتر رسمی ازدواج و طلاق لازم دانسته کلمه و ماده مزبور را بایست بر تبعه خارجی مقیم در ایران تعمیم داد.

یا باین طریق استدلال نمود که طبق قانون تبعه خارجه در احوال شخصی تابع قانون دولت متبوع خود بوده و در بعضی از دول از جمله شرایط اصلی عقد ازدواج مثلاً تنظیم نکاح نامه در نزد شخص مخصوص و ثبت در دفتر بخصوصی و یا مقررات دیگری میباشد از اینجهت لازم است که تبعه خارجه آزاد باشد تا بتواند مطابق قانون دولت متبوع خود عمل نماید و اصولاً قانون ازدواج بمنظور تأمین سلامت همگانی و حفظ حقوق نسوان ایرانی وضع شده و نظر باتباع خارجی مقیم ایران درین نبوده است.

بعقیده اینجانب با توجه بمفاد و مفهوم مخالف ماده ۹۷۰ قانون مدنی نامبرده شده که تاریخ تصویب آن مؤخر بر تاریخ تصویب قانون ازدواج و طلاق معوب ۱۳۱۰ است اشکالی بنظر نمیرسد زیرا: یا طرفین عقد ازدواج تبعه یک دولت بوده و دولت متبوع اجازه اجرای سیغه عقد ازدواج

عقد شده مثل: ازدواج با کسی که معقوده و یا در عده دیگری است. ازدواج با محارم. اجرای سیغه نکاح موقت بدون قیده مهر ۲. یا عدم تطبیق موجب اطلاق عقد دیگر دیده مثل عدم حضور شاهد.

در فرض اول از جهت آنکه عقد باطل است و با عبارات دیگر چون ازدواجی قانوناً واقع نشده ثبت و وقوع آن در دفتر رسمی واجب نبوده و مرتکب چنانچه از جهات دیگر قابل تعقیب باشد از اینجهت قابل مجازات نخواهد بود.

در فرض دوم ثبت و وقوع ازدواج در دفتر رسمی ضروری است.

کلمه طلاق

همانطور که از اطلاق کلمه ازدواج افاده عموم میشود از کلمه طلاق نیز افاده عموم شده و شامل انواع طلاق میگردد و نتیجه در مورد بذل مدت در ازدواج موقت هم ثبت آن لازم میباشد.

کلمه مرد

از تصریح کلمه مرد در ماده مزبور معلوم میشود که عدم وقوع ثبت ازدواج در دفتر رسمی بهیچوجه مسئولیتی جزائماً برای زن ایجاد نکرده و صرفاً شوهر قابل تعقیب و مجازات می باشد.

در این مورد آیا منظور از کلمه مرد مندرجه در ماده ۱ قانون ازدواج مرد ایرانی است یا تبعه خارجه هم شامل بوده و عمومیت دارد؟

برای روشن شدن مطلب میگوئیم ازدواج تبعه خارجه در ایران محدود به فرض زیر است:

- ۱- مرد ایرانی و زن خارجی است
 - ۲- مرد تبعه خارجه و زن ایرانی است
 - ۳- طرفین تبعه خارجه هستند.
- در مورد اول یا سخ سؤال واضح و مثل حالت کلی در حدود ماده یک قانون ازدواج شوهر وظیفه دار بانجام تکلیف مقرر است.

نظریه را اصطلاح فقهاء (کفار در فروع بهمان طور که در اصول مؤاخذه میکردند مؤاخذه میشوند) تأیید میدارد برخی دیگر مرتکب را قابل مجازات از حیث وقوع و عدم ثبت ازدواج در دفتر رسمی ندانسته و چنین میگویند: عملی را که امکان وقوع برای آن نمیتوان تصور کرد چطور میتوان بر کسی تکلیف بانجام آنرا مقرر داشت و چون در مثال مفروض زوجه ۱۲ ساله بوده و ز ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که چنین ازدواجی را ممنوع داشته استفاده بطلان ازدواج میکرد محقق است که تکلیف مثبت عمل باطل جایز نخواهد بود نمیتوان در صورت خودداری مرتکب را از این حیث هم قابل تعقیب و مجازات دانست

گرچه استدلال و استفاده که طرفداران نظریه اخیر از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مینمایند خالی از اشکال نبوده و با توجه باین قسمت که در قانون مدنی موارد بطلان و موانع نکاح را مجزی از ماده ۱۰۴۱ و در فصل جداگانه ذکر کرده و ماده مزبور در فصل قابلیت صحی برای ازدواج تکاشته شده نمیتوان بیان عقیده به بطلان عقد نمود ولی با توجه بمستفاد از ماده ۲ الحاقی که اجراء حکم تعدد بزه را فرع بر قابلیت وقوع هر یک از آنها داشته و وقوع و ثبت ازدواج باغیر مستعده در دفتر رسمی میسر نیست و با فرض اینکه طبق نظریه دسته دیگر بتوان برای عدم ثبت ازدواج عنوان بزه قائل شد بازم از نظر مروض و از جهت وحدت عمل طبق ماده ۳۱ از قانون مجازات عمومی پیش از مجازات بزه باشد که ازدواج باغیر مستعده بوده و منطبق با ماده ۳ قانون ازدواج است نمیتوان منوچهر را محکوم داشت و بعقیده اینجانب نظریه اخیر صائب میباشد.

اشرف سمنانی

بمأمورین سیاسی و قنصلی آنها داده و با آنکه طرفین تبعه يك دولت نبوده و اگر تبعه يك دولت هستند بمأمورین سیاسی آنان اجازه اجرای صیغه عقد ازدواج داده نشده است. در فرض اول طرفین عقد ازدواج و عاقد که مأمور سیاسی دولت متبوعشان میباشد مجاز با اجرای صیغه عقد ازدواج در خارج از دفتر رسمی در حدود مقررات مربوطه بخودشان بوده و طبق ماده يك قانون ازدواج نمیتوان شوهر را بزهار دانست و در این مورد طبق قسمت اخیر از ماده ۹۷۰ صرفاً باید بداره ثبت احوال اطلاع داده شود - در فرض دوم ضرورت اجرای عقد ازدواج در دفتر رسمی و ثبت آن واضح بوده در صورت تخلف مرتکب قابل مجازات میباشد.

کلمه عاقد

چون از جمله شرایط اصلی انجام و اجرای صیغه عقد ازدواج ایجاب و قبول است بنا بر این عاقد اعم از اینکه طرف ایجاب یا قبول باشد در شمول ماده ۱ قانون ازدواج می باشد.

طرح مسئله

منوچهر ۲۵ ساله با مہین ۱۲ ساله در خارج از دفتر رسمی ازدواج نموده و ثبت نرسانیده است آیا از جهت عدم ثبت ازدواج در دفتر رسمی میتوان منوچهر را تعقیب و مجازات نمود یا نه؟

معلوم است که طبق ماده ۳ قانون ازدواج عمل منوچهر که ازدواج باغیر مستعده است بزه بوده و نامبرده شده از این جهت قابل تعقیب میباشد - در قسمت عدم ثبت ازدواج دیده شده که بعضی عمل مزبور را بزه و مرتکب را در حدود ماده ۱ قانون ازدواج هم قابل مجازات دانسته اند و چنین استدلال میکنند که با اطلاق کلمه ازدواج اعم از اینکه ازدواج قابل ثبت باشد یا نباشد مرتکب وظیفه دار بمراجعه بوده و این